



عبدالواسع غفاری

## وحدت پیروزی و تفرقه تباهی در قبال دارد

**بمناسبت تجلیل از چهل و پنجمین سالگرد تاسیس  
حزب دموکراتیک خلق افغانستان**

**رفقای عزیز و گرامی !**

همه ما میدانیم که چهل و پنج سال قبل وطنپرستان واقعی، مبارزین، ترقی خواهان، پیروان دموکراسی و تشنه گان عدالت در کشور ما، با داشتن افکار سرشار از عشق به وطن قلبهای ملامال از انساندوستی و مدافعین زحمتکشان و مردم بی بضاعت سرزمین ما، اقدام به تشکیل سازمانی نمودند که هدفشان رفاه مردم، اعمار و ترقی جامعه بود که در نتیجه سعی و تلاش فراوان، به تاریخ یازدهم جدی سال 1343 تشکیلی را بنام جریان دموکراتیک خلق افغانستان بوجود آوردند و آن تشکیل که بعداً بنام حزب دموکراتیک خلق افغانستان مسما گردید .

ما رهروان آن مکتب به استقبال از تجلیل سالگرد چنین سازمانیکه نقش برآزنده را در مبارزات برحق منافع زحمتکشان و بلند بردن سطح آگاهی مردم ماداشت و دارد میرویم. این حزب قهرمانان از تاریخ ایجادش تا حال مراحل پراز فرازونشیب را طی نموده و جهت تحقق اهدافش هزاران عضو و مردم شریف کشور ما قربانی داده اند. (اما فعلاً ..... ) رهبری و اعضای آن از همان ابتدای تاسیس با کار خسته گی ناپذیر و قبول صدها مشکلات توانستند که در میان اقشار وسیع جامعه (روشنفکران خاصاً معلمین، دانشجویان کارگران نو بنیاد، دهقانان و سائرزحمتکشان) نفوذ نمود، حقانیت و هدف مبارزه شان را توضیح دارند به سرعت کمیته های حزبی را در مرکز و ولایات کشور، با آنکه دستگاه حاکمه وقت موانع مختلف را سد راه مبارزه شان قرار میداد، ایجاد نمودند، بمراتب رهبران و صفوف حزب را اذیت و زندانی کردند. اما مبارزین واقعی به مبارزه خود ادامه داده، توانستند در مدت زمانی کوتاه در داخل و خارج کشور منحصی سازمان ملی دموکراتیک و مدافع زحمتکشان تبارز نمایند. (**نقش رهبری در مبارزه عمده و سازنده میباشد.**) حزب دموکراتیک خلق افغانستان از مرحله ایجادش تا حال بمراتب بانظر داشت عقب مانده گی جامعه، بیسوادی اکثریت مردم، نقش منفی تعداد زیاد تجاران مذهبی، موقعیت جغرافیائی و تاریخی که کشور ما در منطقه دارد متاثر از حوادث داخلی و سیاستهای بین المللی بوده و در محراق تصادمات ابر قدرتهای قرار گرفته و میگیرد. اکثر اعضای حزب این تلاطم ها را بچشم دیده ویا در آن نقش داشته اند. با آنکه اسناد زیاد در زمینه نشر شده محترم رفیق جلیل پرشوریک بخش این تحولات را در مقاله تحت عنوان عواقب چند دسته گی خود محوری و استبداد تشکیلاتی تحریر نموده و بتاریخ 15 نوامبر سال جاری در سایتهای انترنتی به نشر رسیده و سلسله آن ادامه دارد. با ذکر این که نظر و برداشت شخص محترم شان در زمینه میباشد.) هر گاه نگاه مختصر، عمیق و دقیق به سیر تحول

وحدت حزب دموکراتیک خلق افغانستان به اندازیم نسبت عوامل مختلف بمراتب به جناحها، فرکسیونها و محفلها تقسیم شده است. چنانچه **زنده یاد رفیق ببرک کارمل** در زمینه بجافر موده بودند (مقام پرستی و عدم اعتماد متقابل در بین حزب به وحدت آن لطمه وارد می کند. این وضع ناشی از عقب ماندگی و عدم پختگی سیاسی بعضی رفقا است که با استفاده از اعتبار شخصی و مقام رسمی، گروهی از افراد وفادار به خود و یا به اصطلاح ناراض ها را بدور خویش ایجاد نموده و آنان را در جریانات درون حزبی به نفع تمایلات و علاقمندی های شخصی خود میکشانند. افرادی که منافع، علاقمندی ها، خواستها و ادعا های شخصی خود را در برابر حزب قرار میدهند، نمیخواهند و قادر نیستند کار دوستانه و با نظم راسازمان دهند و آرزو ندارند تابع دسپلین حزبی باشند، چنین اشخاص در شرایط فعلی ما، در ماهیت امر بمثابة فراکسیون بازان و دشمنان مردم و میهن بوده خیانت به ایدولوژی انسان زحمتکش و مردم سالاری مینماید.) در همین ارتباط **شهید دوکتور نجیب اللد یکی از رهبران دیگر حزب** فرموده بودند که (آنهائیکه تیشه به ریشه حزب میزنند، نه تنها نفرین هزاران انسان این وطن را نصیب میگردند، بلکه به زنده گی و شخصیت خود برای همیشه خاتمه میدهند) با آنکه حزب در مراحل مختلف نسبت عدم پخته گی لازم اختلافات عقیده تی، سلیقه وی و برداشتهای متنوع از جامعه، سبب انشعابات گردید. در آن مراحل امید پیروزی و مبارزه بخاطر تحقق اهداف حزب در موجودیت نفاق بملاحظه نمیرسد. اما رهبران جناحها و فرکسیونها با درک از معضلات واقعی مردم، منافع شخصی، گروهی و..... را کنار گذاشته، منافع مردم را در اولیتهای قرار میدادند، با توجه به این واقعیت که موفقیت در یک پارچه گی و وحدت است، اقدام به وحدت میکردند. مراحل سیر و تحول وحدت حزب بصورت عموم در مراحل مختلف ذیل قابل دقت میباشد:

1 : - مرحله قبل از هفتم ثور 1357 که حزب نسبت دلایل و انگیزه های مختلف به جناحهای خلق، پرچم و فرکسیونها تقسیم گردید تا لحظه یکه حزب در پرتگاه نابودی در زمان جمهوری محمد داود قرار گرفت، اما وحدت سبب گردید تا حزب نجات یابد.

2 : - سرطان 1357 وحدت شکنی، غرق شدن در قدرت دولتی و عدم درک خصوصیات جامعه و مردم، نه تنها سبب ایجاد و اختلاف دوباره جناحهای خلق و پرچم گردید بلکه سبب پراکنده گی و پارچه شدن جناح خلق و قتل یا ترور رهبران **خلق ارواح شاد نور محمد تره کی** توسط فرکسیون حفیظ اللد امین و کشتار هزاران اعضای حزب و اتباع کشور ما گردید. و حزب را باز در حالت زوال و نابودی قرار داد.

3 : - وحدت دوباره جناحها و فرکسیونهای خلق و پرچم (جدی 1358)، تحت تاثیر فضای ناگوار جنگ سرد و فشار خارجی صورت گرفت، باز هم سبب پیروزی و موفقیت دوباره حزب دموکراتیک خلق افغانستان گردید و حزب توانست مدت مدیدی به کمک مردم ما و قوای نظامی پیاده شده اتحاد شوروی، بمقابل جنگ تحمیل شده امریکا و اکثر دول غربی و کشورهای عربی، دول همسایه و همپیمانان شان یا به اصطلاح (44 کشور کمک کننده فعلی با حکومت کرزی، دول همسایه، کشورهای عربی، حکومت چین و مجاهدین فعلی با صرف میلیاردها دالر) مقاومت نماید. گرچه پس از مدت زمان باز هم معضلات و اختلافات درون حزبی سبب ایجاد محفلها و فرکسیونها در داخل حزب گردید و حتا رهبری حزب تعویض گردید. اما وحدت ضمنی حزب، مبارزه و مقاومت مردم تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بدون حضور قوای نظامی شوروی (مقاومت مستقلانه) بعد سالهای 1367 بانظر داشت فرموده **شادروان نور محمد تره کی**: {دخکو زورد

خدای زوردهی { توانست به مقابل قوای منظم و غیر منظم فوق الذکر اکثریت دول دفاع مستقلانه نماید . اما افسوس افسوس که خود خواهیها، عدم پختگی سیاسی بعضی رفقا، سئو استفاده از اعتبار شخصی، مقام رسمی با دامن زدن به موضوعات قومی لسانی و نژادی و ..... حزب را پارچه پارچه نمودند (مطلب قابل تذکر و تعمق است که همیشه نباید گناه و مسئولیت را بدوش دیگران و یا اعمال خارجی انداخت، با ید وجداناً خودمانیز قضاوت نمائیم که چرا چنین شد؟ وظیفه فرد فرد ما در آن زمان و بعد از آن چه بود؟، در ایجاد نفاق و پارچه پارچه نمودن حزب با آنکه مسئولیت فردی است، باید هر کدام مابعض دامنزدن هانقش پیونددهنده و ایجاد کننده فضائی وحدت و یکپارچه کننده را بازی میگردیم به خصوص سطوح رهبری حزب ) . همان بیتفاوتیها و ادامه خصومتها بود که یکتعدادما با دشمنان اندیشه و عقیده بخاطر منافع شخصی، گروهی و لسانی... .. پیوستند که منجر به سقوط رژیم، قتل و کشتار صدها هزار هموطن و ویرانی کشور گردید. هرگاه واقعبینانه بر حوادث بنگریم، از مخالفین توقع خدمت ب مردم و وطن نمیرفت، چرا که اکثر آنان افراد غیر متعهد و بیسواد بودند که روی احساسات مذهبی بدون درک واقعیت و یا بخاطر چور و چپاول، یا بخاطر بدست آوردن پول از طریق قتل و کشتار، بدون داشتن افکار و اندیشه های خدمت ب مردم و اهداف و پلان تفورم مشخص جهت رفاه مردم، ترقی و اعمار جامعه، صرف بخاطر منافع شخصی طبق هدایات استخبارات پاکستان و ایران تحت رهنمائی استخبارات امریکا مصروف کشتار، تخریب و چور و چپاول در میهن ما بودند و از احساسات پاک هموطنان ما استفاده سئو نموده بنام اسلام تجارت نموده و مینمایند. اهداف و منافع کشور های ذینفع را در کشور ما باقتل، کشتار صدها هزار مردم بیگناه به اشکال فجیح که تاریخ نظیر آنرا ندیده، انجام داده و میدهند، ویرانی و چور و چپاول اموال و دارائیهای شخصی و بیت المال را پیشه خود قرار داده و فعلاً رهبران جهادی با انجام اعمال فوق و غصب دارائی منقول و غیر منقول تحت نام غنیمت به سرمایه داران و ملیونرها تبدیل شده اند و.....

4: اختلافات درون حزب و سقوط رژیم رامیتوان (مرحله نزولی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در صورت عدم توجه سطوح رهبری قبلی حزب و صفوف آن ) نامید. باید سطوح رهبری و صفوف آگاه باشند که مردم کشور ما عملاً احساس نموده اند، رژیمهاییکه بعد از سقوط حکومت **شهید دوکتور نجیب الله** بوجود آمدند در جهت رفا و آرامی مردم و وطن مصدر خدمت نگردیده و طبق خصلت شان اکثر امرتکب اعمال غیر قانونی و غیر انسانی شده و میشوند. در پیاده نمودن چنین اهداف حامیان بین المللی شان که ایجادگر، تربیه و کمک کننده رژیمها مذکور بودند، فعلاً مات و حیران مانده اند. تا چنین فضا و محیط وحشت و دهشت، ظلم و ستم، چور و چپاول، تجاوز به مال و ناموس مردم، جعل و فساد را که بوجود آورده و شهرت بین المللی کسب نموده اند فعلاً بکدام شکل جلو آنرا بگیرند چرا که آفات زائیده شده شان دامنگیر خود شان شده و تلاش دارند تاجهت و قایه آن تدابیر، از قبیل براه اندازی کنفرانسهای بین المللی و غیره اتخاذ نمایند.

### **رفقای عزیز و گرامی که در خارج**

**از کشور بسرمییرید!** همه ما میدانیم و باید بدانید که مردم و اعضای حزب فعلاً در شرایط ناگوار با معضلات فوق که ناشی از جنگ است، دست و پنجه نرم میکنند و حتا جانهای شریین خور را در این نبرد از دست میدهند. صفوف متعهد و قهرمان حزب در داخل کشور با قبول هزاران رنج و محنت زندگی کمخور و بمیر را ادامه میدهند و به خاطر مردم رنج دیده و اولاد خود مصروف نبرد میباشند. اما صدها افسوس که بعضی از رهبران و صفوف قبلی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که در خارج کشور، نسبتاً آرام و بدون پروبلمهای معیشتی بسرمییرند، معضلات فعلی مردم و وطن خود را طوریکه لازمه یک عضو صدیق و وفادار به اندیشه های این مکتب قهرمانان میباشند درک نه نموده اقدام به ایجاد فرکسیونها، محفلهها، شاخچه ها و پارچه نموده اند، بعضی افراد از نام عضو حزب

در محافل خوشی، مراسم غم و اندوه، جشنهای ملی و شب نشینیهای مردم، میدانهای جنگ، شور و جنجال را بوجود آورده، با انتقاد و ابراز نظر های غیر مسئولانه بدون داشتن معلومات دقیق که بعضاً مملو از لاف و گزاف میباشد... فضا مجلس، محیط ماهول و ذهنیت مردم را در مقابل اعضای حزب خدشه دار مینمایند. عوض اینکه با لطف و مرامت دوستانه و رفیقانه محیط مهاجرت که اذیت کننده میباشد شاد و عاری از کدورت بسازند، بعضاً با برخورد های فوق الذکر نه تنها که اسباب نارضایتی هموطنان خود را فراهم میسازند، اقدام به دشنام و توهین کردن رفقا و دوستان خود مینمایند (البته بعضی از رفقا) و حتماً بعضاً بر علاوه توهین کردن به برخوردهای فزینی می انجامد و بعضاً به این اعمال اکتفا نکرده، از طریق مطبوعات و سایتهای انترنتی بر اختلافات و توهین نمودنها ادامه میدهند، در این حالت حیثت و آبرو خود و سایر اعضای حزب را خدشه دار مینمایند. (در این حالات احساسات بر عقل غلبه نماید، فرد کم عقل متوصل به توهین و دشنام دادن و برخوردهای فزینی میگردد.)

مطلب عمده دیگر که سبب بروز اختلافات بیشتر در صفوف حزب گردیده عبارت از عملکردهای خود سرانه بعضی اعضا، گروپها و فرکسیونها میباشد که از نام اعضای سابق حزب دموکراتیک خلق افغانستان عمل مینمایند. که از یکطرف با انجام عمل فردی و ناعاقبت اندیشانه مرتکب خطای میگردد، بحیثت و مقامیکه حزب در جامعه طی سالهای متمادی مبارزه بدست آورده صدمه وارد نموده و مورد سوال قرار میگردد و از جانب دیگر اختلافات را در بین این واحد های جدا شده از بدنه حزب را بیشتر میسازند. ترس از آن وجود دارد ما اعضای حزب که در خارج از کشور زندگی نسبتاً آرام را داریم به پرازیتهای مانع وحدت حزبی در داخل کشور تبدیل شویم. **(امید وارم تا رفقا آزرده نشده به واقعیت موضوع دقت نمایند).**

بناءً از همه اعضای سابقه حزب دموکراتیک خلق افغانستان تقاضا میروم تا با درک از رنج و آلام واقعی مردم و وطن (نه تصنعی) با قلب صاف، پراز محبت، مالا مال از گذشت و برده باری برسم نیاکان مکتب زحمتکشان عملاً همدیگر خود را در بغل گرفته، از بعضی خطاهای رفقای خود گذشت نموده (مزیتی که در گذشت است در انتقام نیست) متحد شده با اتحاد و همبستگی تام، مشقت واحد و مستحکم شده، تحت یک سقف جمع شده چهل و پنجمین سالگرد تاسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان را تجلیل نمایند و با ایده های جدید و سازنده در جهت تحقق منافع زحمتکشان کشور، راه ها جدیدتر را بانظر داشت تغییراتی که در سیاستهای جهانی طی 45 سال اخیر بوجود آمده است، بخاطر صلح، امنیت و آرامی مردم زحمتکش کشور خود جستجو نمایند. (با تائید اینکه به تنهایی و متفرق بودن نه تنها مصدر خدمت نمیگردیم بلکه تیشه به ریشه حزب زده، نه تنها که مورد نفرین هزاران هموطن خود قرار میگیریم، به زنده گی و شخصیت خود نیز خاتمه میدهیم).

لذا از شما رفقای گرامی تقاضا میگردد تا در تبانی با رزمندگان صدیق که در داخل کشور مصروف خدمت واقعی ب مردم بلا دیده میباشد در خارج کشور بدون در نظر داشت منافع شخصی، گروهی، قومی، لسانی و سایر امراضیکه دامنگیر اکثر اعضای حزب به خصوص سطوح قبلی بالائی حزب شده با قلب صاف و تصمیم صادقانه وحدت و یکپارچه گی را سازمان داده بخاطر اولاد یتیم، گرسنه، پابرهنه و بی سرپناه که باشکم گرسنه شبها را در هوای سرد و تاریکی سپری مینمایند و امید فرمایش بملای انتحاری و یا تجاوز به ناموس شان میباشد اتخاذ نمایند. امید وارم که قلبهای آن وطنپرستان که حاضر به از خود گذری در جهت وحدت و یکپارچه گی نمیتپید، بار دیگر بخاطر رنجهای واقعی مردم در این شرایط ناگوار به تپیدن شروع نماید و با وحدت نمودن و یکپارچه شدن شما، امید کامیابی مبارزه راه حق و عدالت در داخل کشور بیشتر میگردد. در غیر آن هرگاه ما شرایط فعلی جامعه و مردم خود را درک ننماییم و از اینجا بصورت دگم و کتابی بدون درک

شرایط ذهنی و عینی جامعه بالخصوص وضعیت فعلی زندگی آنها قضاوت نموده و تصامیم جداگانه و احساساتی بگیریم، مانع وحدت و یکپارچه گی آنها میگردیم . و از اینجا با این افکار که ما رهبران قبلی و وارثان آن حزب هستیم ، نه در اینجا وحدت و یکپارچه گی را بوجود میآوریم، بر عکس فضائی نا مساعد اینجا، مبارزان واقعی را که در داخل وطن تحت آتش ظلم و ستم، پیکار مینمایند مکرر نموده با دادن هدایات هوائی و دور از واقعیت (حداقل پانزده سال از کشور دور میباشیم) مانع وحدت آنها میگردیم. (گرمرهمی دلی نشوی، نیشترمه باش)

قابل یاد آوری میدانم که در طول پانزده سال اخیر همه ماکار ارزشمند و قابل ملاحظه را همان طوریکه توقع میرفت انجام ندادیم حتی جلب و جذب جدید رابه صفوف حزب فرکسیون، شاخه و پارچه خود نداشتیم. با توجه به اینکه نسبت کبر سن عمر همه ما به خصوص رهبران روجه تحلیل میباشد، لطفاً بادرک مطالب فوق و اینکه در اخیر عمر باز هم مصدر خدمت دیگر برای مردم و وطن خود گردیم، رفاقت و دوستیهای قبلی را تازه نموده باری دیگر دست وحدت و یکپارچه گی رابه هر شکلی که لازم میپندارید دراز نموده وطن و مردم خود را ازین سرگردانی آهسته آهسته نجات دهیم. به امید اینکه تحریر مطالب فوق را گستاخی نه پنداشته و بطرف وحدت و یکپارچه گی حرکت نمایم.

رفیق همه شما در وحدت

عبدالواسع غفاری